خبر

کتاب «دور از دریا» منتشر شد

کتاب «دور از دریا» تألیف «هاجر عتیقی»، کارگردان تئاتر است که به‌تازگی راهی بازار کتاب شده و در آن به مسائل و چالش‌های ته‌نشین شده و همیشه پنهان در اعماق سینه افراد پرداخته شده است.

هاجر عتیقی در گفت‌وگو با ایسنا و با اشاره به اینکه کتاب «دور از دریا» اولین رمان کوتاه ۱۰۰ صفحه‌ای منتشرشده از او است، اظهار کرد: من به‌صورت پراکنده مطالبی را در خصوص زندگی شخصی خود و دیگران می‌نوشتم تا اینکه به‌صورت جدی از سال ۱۳۹۸ شروع به نوشتن کردم؛ درست زمانی که با مفهوم شرم آشنا شده بودم و دیدم که سوژه‌ای که در ذهن من خلق‌شده تا چه اندازه از کودکی بار شرم را به دوش کشیده است و به دلیل سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و عاطفی که از این فرد شده است، او در بزرگ‌سالی در یک سیکل گات (گرفتن اشتباهی تصمیمات) قرارگرفته و مدام در حال تکرار اشتباهات خوداست.

او ادامه داد: با پیشروی داستان به فکر جستجوی کودک خود آن فرد رفتم و به آن نزدیک شدم تا بتوانم جزئیات را بهتر مطرح کنم و حالا به او بگویم که من کنار تو هستم و به اتفاقاتی که در سنین مختلف کودکی برای او رخ‌داده است، دست پیدا کنم و نزدیک شدن به کودک آن فرد بود که متن داستان را روبه‌جلو پیش برد و آن کودک انتخاب می‌کرد که من چه چیزهایی را بنویسم. عتیقی بابیان اینکه درگذشته کتاب «میای با من دوست بشی» برای کودکان و چند نمایشنامه کوتاه که به هم پیوست داده می‌شد همچون «نمایشنامه خاکستری و هفت‌خوان» را به نگارش درآورده است، مطرح کرد: شغل من نویسندگی نیست و من کارگردان تئاتر هستم. مهم‌ترین هدف من از نوشتن این کتاب، بیان داستان‌های زندگی خودم، دیگران و کودکی بود که پیداکرده بودم و تنها دلیل من برای چاپ این نوشته‌ها، بیان جمله «من گفتم، حالا نوبت تواست!» بود و این گفتن، در راستای شکستن یک‌سری از تابوها خصوصا درزمینه سوءاستفاده‌هایی است که در کودکی برای ما اتفاق می‌افتد و حرفی در خصوص آن‌ها نمی‌زنیم؛ حتی هنگام مراجعه به تراپیست، آن شرم به‌اندازه‌ای زیاد است که نمی‌توانیم آن را تعریف کنیم و دوست داشتم دیگران نیز آن را بخوانند؛ ضمن اینکه تصویرسازی این کتاب توسط هادی افتخارمهر صورت گرفته است. نویسنده کتاب «دور از دریا» توضیح داد: این کتاب هیچ ادعایی مبنی بر ادبی بودن ندارد و به‌صورت حرفه‌ای نیز دارای تکنیک ادبی نیست، ولی ارزشی که این کتاب دارد، صحبت در خصوص مواردی است که بیان آن برای بسیاری از ما دشوار بوده است و نوشتن این کتاب همچون باز شدن دری برای دیگران است. ما از این کتاب تعداد اندکی (۱۰۰ عدد) چاپ کردیم به دلیل اینکه من قصد داشتم بازخوردها را ببینم و در صورت نیاز، در متن کتاب، اصلاحیه انجام شود. او افزود: افراد گوناگونی از دهه ۵۰ تا ۷۰ این کتاب را خوانده‌اند که به زندگی بسیاری از آنان شباهت داشته است و با آن همزادپنداری می‌کنند. بسیاری از افراد تصور نمی‌کردند که چنین سوءاستفاده‌هایی از آنان شده است و هنگامی که داستان از زبان فرد دیگری برای آن‌ها بازگو می‌شود، با آن همزادپنداری کرده و در آن خصوص صحبت می‌کنند؛ درصورتی‌که تا قبل از آن حرفی درباره آن مسائل مطرح نکرده بودند. لازم به ذکر است که من شماره تلفنم را برای صحبت با خواننده‌های این کتاب، داخل کتاب قراردادم به این دلیل که احتمال دادم این قصه در زندگی بسیاری از افراد، تکرار شده باشد. عتیقی در خصوص سوژه کتاب «دور از دریا»، خاطرنشان کرد: سوژه داستان مربوط به دهه ۶۰ است؛ افراد متولد دهه ۶۰، افرادی مظلوم بودند، هیچ‌گاه حرفی نمی‌زدند و همیشه سکوت را به آن‌ها آموختند و من به‌عنوان یکی از افراد متولد دهه ۶۰، در این کتاب حرف‌های ناگفته‌ام را بیان کردم.

پدرم برای اکران «مصائب شیرین۲» تحت فشار بود

بازیگر فیلم «مصائب شیرین۲» گفت: پدرم برای اکران این فیلم تحت فشار قرار گرفت. فوت رضا هم غافل‌گیرکننده بود و به گونه‌ای باعث شد که این فیلم اکران شود؛ هرچند رضا خودش نبود که بالاخره فیلم را روی پرده سینما ببینند. زهرا داوودنژاد در گفت‌وگو با ایرنا درباره وضعیت این روزهای سینمای ایران و دلایل کم‌کار شدنش گفت: من در فضای تجاری و عمومی سینما نمی‌توانم کار کنم؛ مدعی نیستم اما می‌دانم سینما را بلدم و در تار و پود زندگی من تنیده شده اما اتمسفر سینمای تجاری که این روزها باب شده، جایی نیست که بتوانم در آن فعالیت کنم. داوودنژاد ادامه داد: این فضای تجاری البته مقطعی است و شرایط تا همیشه این طور نخواهد ماند. به غیر از ۱۰ الی ۱۵ نفری که همیشه در همه جای سینما و نمایش خانگی کار می‌کنند، بقیه هم باید فعالیت داشته باشند و کار کنند. در گذشته شاید چیزهایی درباره سینما اذیتم می‌کرد و برایم سوال بود که چرا این طور پیش می‌رود اما حالا فضا برایم این طور نیست. دختر علیرضا داوودنژاد کارگردان سینما درباره اکران مصائب شیرین۲ نیز توضیح داد: حدود ۷ سال بود که مصائب شیرین۲ اکران نشده بود. می‌دانم که پدرم برای اکران این فیلم تحت فشار قرار گرفت. فوت رضا غافل‌گیرکننده بود و به گونه‌ای باعث شد که این فیلم اکران شود؛ هرچند رضا خودش نبود که بالاخره فیلم را روی پرده سینما ببیند. ما جماعت مرده‌پرستی هستیم تا زنده‌دوست و تا زمانی که این فضا تغییر نکند، اتفاقی نمی‌افتد.

جاذبه‌های بی‌نظیر ایران در محاصره تصویرسازی‌های نادرست

جاذبه‌های بی‌نظیر ایران در محاصره تصویرسازی‌های نادرست

ایران با جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی بی‌نظیر خود، همواره یکی از مقاصد بالقوه گردشگری جهان بوده است، اما در این مسیر تبلیغات منفی و تصویرسازی‌های نادرست، این گنجینه‌های ارزشمند را در محاصره خود گرفته است، با این حال، تجربه مستقیم گردشگران، واقعیت‌های دیگری را روایت می‌کند.

به گزارش ایمنا، گردشگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صنایع خدماتی جهان، نقش اساسی در توسعه اقتصادی و فرهنگی کشورها ایفا می‌کند. ایران با تنوع فرهنگی، تاریخی و طبیعی خود همواره یکی از مقاصد بالقوه برای گردشگران بین‌المللی بوده است، با این حال، تبلیغات منفی و تصویرسازی‌های نادرست، تحت عنوان ایران‌هراسی، مانعی جدی برای جذب گردشگر به‌شمار می‌رود.

پروژه ایران‌هراسی در حوزه گردشگری تلاشی سازمان‌یافته از سوی برخی جریان‌ها و کشورها برای ایجاد تصویری منفی و نادرست از ایران به‌عنوان یک مقصد گردشگری ناامن، غیرجذاب و نامناسب برای سفر است. این پروژه با استفاده از تبلیغات منفی، تحریم‌ها و ایجاد ترس در میان گردشگران بالقوه، سعی در کاهش نفوذ فرهنگی و اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی دارد و هدف اصلی این اقدامات، محدود کردن تعاملات فرهنگی و اقتصادی ایران با جهان و تضعیف جایگاه این کشور در منطقه است. با این حال، واقعیت‌های موجود در ایران و تجربه مستقیم گردشگران، خلاف این تصویرسازی‌ها را ثابت کرده است.

یکی از ابزارهای اصلی پروژه ایران‌هراسی، استفاده از رسانه‌های بین‌المللی برای نمایش تصویری مخدوش از امنیت و شرایط زندگی در ایران است؛ در این راستا، اخبار نادرست، بزرگ‌نمایی مشکلات و نادیده گرفتن جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی ایران به‌طور گسترده‌ای تبلیغ می‌شود. این رسانه‌ها با تمرکز بر مسائل سیاسی و چالش‌های داخلی ایران، سعی می‌کنند این کشور را به‌عنوان مقصدی خطرناک و غیرقابل اعتماد معرفی کنند با این حال، بسیاری از گردشگرانی که از ایران بازدید می‌کنند، پس از سفر، تجربه متفاوتی را گزارش می‌دهند و این تبلیغات منفی را رد می‌کنند.

دولت‌های مختلف و بخش خصوصی در سال‌های اخیر تلاش‌های قابل توجهی برای مقابله با پروژه ایران‌هراسی و جذب گردشگران بین‌المللی انجام داده‌اند؛ بهبود زیرساخت‌های گردشگری، توسعه هتل‌ها و اقامتگاه‌ها، افزایش کیفیت خدمات و تسهیل روادید برای گردشگران از جمله این اقدامات است، علاوه بر این، ایران با برگزاری رویدادهای فرهنگی، هنری و بین‌المللی همچون جشنواره‌های فیلم، نمایشگاه‌های هنری و کنفرانس‌های علمی، سعی کرده است تصویر واقعی خود را به جهانیان نشان دهد و این تلاش‌ها تا حد زیادی در خنثی‌سازی تبلیغات منفی مؤثر بوده است.

جاذبه‌های بی‌نظیر ایران در محاصره تصویرسازی‌های نادرست

جاذبه‌های بی‌نظیر ایران در محاصره تصویرسازی‌های نادرست

بر این اساس فرخ میرشاهزاده، کارشناس حوزه گردشگری به خبرنگار ایمنا اظهار می‌کند: گردشگری در گام نخست نیازمند احساس امنیت است. امنیت نیز ابعاد متنوعی دارد، از جمله امنیت روانی، اجتماعی، اقتصادی و جهانی و بر این اساس ایران‌هراسی با ایجاد تصوری نادرست از امنیت، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب می‌شود گردشگران از انتخاب ایران به‌عنوان مقصد خود اجتناب کنند.

او می‌افزاید: ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود و برخی چالش‌های داخلی و خارجی، همواره در معرض تهدیدهای امنیتی و تبلیغات منفی قرار داشته است. بخشی از این تبلیغات، به اقدامات خود ما نیز بازمی‌گردد که ناخواسته به این تصور دامن می‌زنیم.

کارشناس حوزه گردشگری با تاکید بر اینکه تأثیرگذاری ایران‌هراسی ابعاد مختلفی دارد، عنوان می‌کند: وقتی گردشگری تجربه ناخوشایندی را در ایران داشته باشد، این تجربه را به‌سرعت به دیگران منتقل می‌شود، البته رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز در این میان نقشی جدی ایفا می‌کنند و به انتشار یا حتی تقویت این تجربیات می‌پردازند.

فرهنگ‌سازی؛ کلید مقابله با ایران‌هراسی در گردشگری

میرشاهزاده در پاسخ به این سوال که چه اقداماتی برای مقابله با ایران‌هراسی در حوزه گردشگری می‌توان انجام داد، توضیح می‌دهد: راه‌حل کلیدی در این زمینه فرهنگ‌سازی است؛ حتی اگر ایران از نظر جاذبه‌های گردشگری ظرفیت بالایی داشته باشد، بدون فرهنگ‌سازی نمی‌توان آن را به مقصدی مطمئن و جذاب تبدیل کرد. ما نیازمند بهبود فرهنگ گردشگرپذیری و تعامل با گردشگران هستیم، همچنین باید توجه داشت که تبلیغات و شعار کافی نیست؛ باید رویکرد عملی و پایدار برای حل این چالش‌ها به‌کار گرفته شود.

او با ارائه پیشنهادهایی برای تقویت تجربه مثبت گردشگران ایرانی و خارجی می‌گوید: ابتدا لازم است نگاه مسئولان به گردشگری از حالت تبلیغاتی و ترویجی به عملیاتی و اقتصادی تغییر کند. بسیاری از کشورهای جهان از گردشگری به‌عنوان موتور اصلی اقتصاد خود استفاده می‌کنند، اما ما همچنان به منابع طبیعی همچون نفت و معادن متکی هستیم. تغییر این نگرش و سوق دادن اقتصاد به سمت خدمات‌محوری، نقطه عطفی برای بهبود گردشگری خواهد بود.

جاذبه‌های بی‌نظیر ایران در محاصره تصویرسازی‌های نادرست

رقیه حاتمی‌پور، فعال حوزه گردشگری نیز به خبرنگار ایمنا اظهار می‌کند: ایران‌هراسی تأثیر مستقیمی بر گردشگری دارد. اگر از منظر روان‌شناسی بررسی کنیم، هرگونه احساس ناامنی می‌تواند اثرات منفی شدیدی داشته باشد. حالا تصور کنید این احساس به سطح بین‌المللی برسد و ایران در نقشه سفر گردشگران به‌عنوان مقصدی ناامن معرفی شود. نتیجه این وضعیت، کاهش چشمگیر ورود گردشگران به ایران است.

او می‌افزاید: در این مسیر اگر در انزوای خبری و ذهنی باقی بمانیم، هرگونه تبلیغ مثبت ما بی‌نتیجه می‌ماند. بمباران تبلیغاتی منفی علیه ایران، حتی اگر هزینه‌های سنگینی برای بهبود تصویرمان بپردازیم، اثرات زیادی خواهد داشت.

رسانه‌های بین‌المللی؛ ابزار اصلی گسترش ایران‌هراسی

فعال حوزه گردشگری خاطرنشان می‌کند: گردشگران خارجی به‌طور معمول وقتی به ایران می‌آیند، با مهمان‌نوازی ایرانی روبه‌رو می‌شوند و تجربیات مثبتی به دست می‌آورند. این تجربیات به دوستان و آشنایانشان منتقل می‌شود، اما تبلیغات منفی گسترده، این تجربه‌های مثبت را خنثی می‌کند و در این مسیر دشمنی‌های سیاسی و منافع برخی کشورها موجب شده است ایران به‌طور ناعادلانه‌ای هدف هجمه‌های تبلیغاتی قرار گیرد.

حاتمی‌پور با تاکید بر اینکه ۹۵ درصد نگرانی‌ها ناشی از تصویرسازی مغرضانه و ناعادلانه‌ای است که از ایران در جهان ارائه شده است، ادامه می‌دهد: تنها ۵ درصد آن به عملکرد ما بازمی‌گردد و بسیاری از این تبلیغات بر پایه بزرگ‌نمایی و القای ترس استوار است،او در پاسخ به این سوال که چه اقداماتی می‌توان برای مقابله با ایران‌هراسی در حوزه گردشگری انجام داد، بیان می‌کند: باید به سیاست دوستی با ملت‌ها و کشورهای همسو توجه کنیم. باید تلاش کنیم تعداد دوستان ایران در عرصه بین‌المللی افزایش پیدا کند. از طریق گفت‌وگو و تعاملات سازنده، می‌توانیم اثرات تبلیغات منفی را کاهش دهیم، همچنین باید تصویر واقعی و مثبت ایران را به جهان نشان دهیم.

فعال حوزه گردشگری درباره آینده صنعت گردشگری تصریح می‌کند: آینده این صنعت نیازمند تلاش و صرف انرژی فراوان است. کشورهای همسایه و منطقه را باید متقاعد کنیم که به ایران و فرهنگ غنی آن با دیدگاهی واقع‌بینانه نگاه کنند. گردشگری باید از مسائل سیاسی و غیرمرتبط جدا شود تا بتواند رونق گیرد.

حاتمی‌پور در پایان تاکید می‌کند: برای هر گردشگری که به ایران می‌آید، باید برنامه‌هایی ترتیب دهیم که تجربه‌ای مثبت و به‌یادماندنی برایش به‌جا بگذارد. کیفیت خدمات، رفتار مثبت و میهمان‌نوازی ایرانی باید در اولویت قرار گیرد، همچنین باید از راهنمایان و شرکت‌های گردشگری حرفه‌ای و مکان‌هایی با استانداردهای بالا استفاده کنیم تا تصویر خوبی از ایران در ذهن گردشگران ثبت شود.

جاذبه‌های بی‌نظیر ایران در محاصره تصویرسازی‌های نادرست

تجربه گردشگران؛ سلاحی قدرتمند در برابر تبلیغات‌منفی

به گزارش ایمنا، با وجود چالش‌هایی همچون ایران‌هراسی، صنعت گردشگری ایران همچنان ظرفیت‌های بی‌نظیری برای رشد و توسعه دارد؛ تقویت تعاملات بین‌المللی، ارائه تصویری واقع‌بینانه از ایران و فرهنگ‌سازی داخلی می‌تواند مسیر را برای احیای گردشگری هموار کند. زمانی که گردشگری به‌عنوان یک اولویت ملی و ابزار مؤثر دیپلماسی مورد توجه قرار گیرد، می‌توان امید داشت که ایران به جایگاه شایسته خود در عرصه گردشگری جهانی دست پیدا کند.

در این مسیر تجربه مستقیم گردشگران از ایران یکی از مهم‌ترین عوامل شکست پروژه ایران‌هراسی است؛ بسیاری از افرادی که به ایران سفر می‌کنند، تحت تأثیر مهمان‌نوازی مردم، امنیت بالا و جاذبه‌های بی‌نظیر این کشور قرار می‌گیرند. آن‌ها پس از بازگشت به کشورهای خود، تجربیات مثبت خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند و این امر به‌تدریج تصویر ایران را در افکار عمومی جهانی بهبود می‌بخشد. شبکه‌های اجتماعی نیز در این زمینه نقش مهمی ایفا کرده‌اند، زیرا گردشگران به‌راحتی می‌توانند تجربیات واقعی خود را با مخاطبان گسترده‌ای در سراسر جهان به اشتراک‌بگذارند.

ارامنه اصفهان در رمان‌های فارسی

جست‌وجوی ارامنه اصفهان در دنیای داستانی زبان فارسی و نقش‌آفرینی شخصیت‌های ارمنی در دل رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و بلند، بستری خواندنی برای اقوام غیرارمنی است تا به زندگی و جهان‌بینی این گروه قدم بگذارند.

یافتن ارامنه اصفهان در ادبیات امروز، مانند هر قوم دیگری از ترک و لر و عرب تا فارس و کرد و گرجی پنجره‌ای گسترده و روشن به روی زندگی مردم است؛ مردمی که هر روز از کنار هم عبور می‌کنیم، اما شاید از هم بی‌خبر باشیم. آنچه در ادامه می‌خوانید مروری بر سه رمان فارسی است که هرکدام از منظری دنیای ارامنه اصفهان را روایت می‌کنند.

پارینچ را فقط ارمنی‌های اصفهان بلدند

«چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، اثر زویا پیرزاد، اولین رمان تاریخ ادبیات است که نویسنده‌ای ارمنی آن را به زبان فارسی نگاشته است. نه‌فقط این خصیصه کتاب، بلکه محبوبیت آن بین همه ایرانیان که برآمده از سادگی و کشش آن است، همواره مورد توجه بوده؛ به‌خصوص آنکه این اثر از سال ۱۳۸۰ تاکنون بیش از ۱۰۰ نوبت منتشر شده و همچنان نیز دوستداران خود را در ایران و جهان پیدا می‌کند. به باور منتقدان، زویا پیرزاد از منظری دیگر نیز با آفرینش این رمان در شمار اولین‌های ادبیات داستانی قرار گرفت؛ درواقع می‌توان گفت که این داستان‌نویس از نخستین نویسندگانی بود که روزمرگی‌های یک زن ایرانی را در دنیای داستانی روایت کرد و تلخ و شیرین‌هایش را به تصویر کشید. ماجراهای این اثر داستانی پیرامون یک خانواده ارمنی می‌گذرد. کلاریس شخصیت اصلی و راوی داستان است که همراه شوهر و سه فرزندش در آبادان سال‌های قبل از انقلاب زندگی می‌کند. او زنی خانه‌دار است که نظافت آشپزخانه و اتاق‌ها، مراقبت از بچه‌ها و رسیدگی به درس و مدرسه‌شان، همچنین توجه به رویدادهای جامعه ارمنی را وظیفه خود می‌داند، اما با ورود یک همسایه جدید به محله‌شان زندگی او از مسیر معمول فاصله می‌گیرد. مکان اتفاقات در «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» از ابتدا تا انتها آبادان است، اما مخاطب به مناسبت زادگاه مادر کلاریس که اصفهان به شمار می‌آید، بارها با دنیای ارامنه این دیار و مشخصا روستای نماگرد در فریدن روبه‌رو می‌شود. در جایی از رمان، کلاریس سفر کودکی‌اش را به نماگرد از روستاهای ارمنی‌نشین اصفهان به یاد می‌رود؛ روستایی که می‌توانند از آن روغن محلی یا حیوانی باب میلشان را بخرند! کلاریس نماگرد را این‌گونه در خاطره دارد: «به زن‌های ده نگاه می‌کردم که لباس‌های محلی به تن داشتند و جوان‌ترها با دنباله روسری‌های رنگارنگ دهان‌ها را پوشانده بودند. از مادر که پرسیدم چرا، بی‌حوصله از گرما و خاکی که باد گرم مدام به سر و صورتمان می‌زد گفت دخترهای جوان نباید جلوی پدر و مادر یا پدرشوهر و مادرشوهر حرف بزنند. روسری‌های زرد و قرمز و سبز تنها رنگ‌هایی بود که توی ده می‌دیدم. بقیه هرچه بود رنگ خاک بود.» همچنین به یاد می‌آورد که مادرش درباره نگهداری بیماران روانی یا به‌قول خودشان دیوانه‌ها در نماگرد توضیح می‌داد. به‌جز روایت‌های کلاریس از روستاهای ارمنی‌نشین اصفهان، خود او نمونه زنی است که در یک خانواده ارمنی و اهل جلفا بالیده شده؛ زنی که علی‌رغم سال‌ها زندگی در آبادان هنوز هم به خرده‌فرهنگ‌های ارامنه اصفهان تعلق‌خاطر دارد و هنوز هم در مناسبت‌هایشان غذای محلی «پارینچ» پخته می‌شود؛ غذایی که به اعتقاد مادرش فقط ارامنه جلفای اصفهان پختش را بلدند. این رمان ماندگار زبان و ادبیات فارسی تاکنون به زبان‌های مختلفی چون آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، نروژی، چینی و یونانی هم ترجمه شده است. همچنین جوایز پرشماری مانند جایزه ادبی یلدا، مهرگان ادب و بنیاد هوشنگ گلشیری را در کارنامه دارد.

همسایگی مسلمان و مسیحی در جلفا

«خون‌خورده» رمانی از مهدی یزدانی خرم است که نخستین بار در سال ۱۳۹۷ منتشر می‌شود. این رمان و دو اثر دیگر او یعنی «سرخ سفید» و «من منچستریونایتد را دوست دارم» به‌نوعی با یکدیگر در ارتباط‌اند و یکی از سه‌گانه‌های معروف در ادبیات امروزمان به حساب می‌آیند. یزدانی خرم اهل تهران است و فعالیت ادبی خود را ابتدا با روزنامه‌نگاری آغاز می‌کند. رمان «خون‌خورده» اثر این نویسنده شش داستان دارد که پنج روایت آن ماجرای پنج برادر با پنج مرگ تلخ و دردناک است. از میان برادران، ناصر باستان‌شناس است و منصور در دنیای عکاسی فعالیت دارد. مسعود در خدمت مصطفی چمران و در جنگ به سر می‌برد. طاهر پسر دیگر خانواده است که در بمباران شهرهای ایران به دست عراق جان می‌دهد. و محمود آخرین برادر نیز پس از دل‌بستن به دختری توده‌ای مارکسیست می‌شود. ماجراهای «خون‌خورده» که بر اساس زندگی این برادران و با الهام از سرنوشت شهید سید محمد جهان‌آرا و برادرانش نوشته شده، در شهرهای مختلفی ازجمله تهران، آبادان، مشهد، بیروت و درنهایت اصفهان سیر می‌کند. یزدانی خرم در همین شهر اصفهان بارها به سراغ جلفای اصفهان و مشخصا کلیساهای محبوب آن، چون وانک و بیت‌لحم می‌رود. وقایع جلفای اصفهان در این رمان با زندگی ناصر پیوند خورده است؛ اتفاقاتی پردلهره که با توجه به نقشه ناصر برای حفر یک قبر در کلیسای بیت‌لحم حال‌وهوای طنزآلودی به خود می‌گیرد. نویسنده، خواسته یا ناخواسته، در میانه همین ترس‌ها که ممکن است خنده‌آور هم باشند، هم‌زیستی ارامنه و مسلمین را در جلفا به تصویر می‌کشد و نشانمان می‌دهد که صدای ناقوس کلیسا و اذان مسجد هر دو در یک آسمان می‌پیچد و به گوش‌ها می‌رسد. باورمندی به مسیح(ع)، معماری و هنر از پررنگ‌ترین جنبه‌های زیستی ارامنه اصفهان است که در این اثر بازتاب یافته: «ناصر برای اولین بار صحن خالی کلیسای مریم را دیده بود. محرابی ساده. با یک رومیزی سفید. صلیبی با لبه‌های لنگری. چند شمایل از مسیح کودک و تصلیب و یک شمایل از شکافته‌شدن آسمان و میکاییل شمشیربه‌دست، میکاییلی با چهار بال.[...] فوق‌لیسانس باستان‌شناسی دانشگاه ملی که ده‌ها کلیسا دیده بود، باورش نمی‌شد کلیسای بی‌برج‌وباروی بغل خانه‌شان چنین شمایل جان‌داری داشته باشد.»

غاگ‌غاگ پرندگان زاینده‌رود و دلخوشی آرتوش

«می‌نار» رمانی از محمداسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده اهل سمنان است که اولین بار در سال ۱۴۰۰ شمسی منتشر شد. حاجی‌علیان در کنار داستان‌نویسی و پژوهش، رشته حفاظت و مرمت اشیای تاریخی و فرهنگی را در دانشگاه تدریس می‌کند. او نوشتن را با داستان کوتاه آغاز کرده و تا امروز چندین رمان با لوکیشن اصفهان در کارنامه ادبی خود دارد. اتفاقات این رمان او در دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی می‌گذرد. شخصیت اصلی «می‌نار» پسری ارمنی به اسم آرتوش است که خانوادگی از فریدن به اصفهان مهاجرت می‌کنند. او در اصفهان با دیدن نقاشی‌های روز قیامت که خاص مسیحیان است، آرزو می‌کند که یک روز نگهبان بهشت شود. این آرزوی او زمانی برآورده می‌شود که با شروع جنگ به خرمشهر می‌رود و با دیگر شهدای غواص کربلای پنج به بهشت موعود قدم می‌گذارد.

خبر

جایی که «مامان» می‌داند زخم‌ها خوب می‌شوند

ثریا نوروزی بر بالین همسرش مویه می‌کند، اهل مشکین‌شهر است و چیزهایی به ترکی می‌گوید. بعد به فارسی، فریادزنان، با چشمانی پراشک از مرد می‌پرسد: «زخم‌هایت خوب شد؟ دیگر جگرت نمی‌سوزد؟» همسرش شهید کاظم صادقی جوابی نمی‌دهد، اما زن که قصه‌اش در مستند «مامان» روایت می‌شود، می‌داند که مرد یک جای خوب است؛ جایی که زخم‌ها خوب می‌شوند.

مستند «مامان» روایتی از زندگی ثریا نوروزی یکی از زنان این مرزوبوم است. ثریا با اصالت آذری در شهر تهران به دنیا می‌آید و بعدها با جوانی به اسم کاظم ازدواج می‌کند؛ در روزی که نمی‌داند خیلی زود جنگ می‌شود و شوهرش مثل پرنده‌ای که بی‌قرار شده باشد، یک‌باره پرواز می‌کند و به همان جایی می‌رسد که صدام خیال دارد، بال‌های ایران را بشکند! ثریا از جنگ متنفر است، اما می‌داند که کاظم نباید در خانه بماند.

فیلم «مامان» محصول سال ۱۴۰۳ شمسی، کاری از فرزند ثریا و کاظم یعنی علی‌محمد صادقی است. راوی نیز خود او است و وقتی قصه‌اش را گوش می‌دهیم بارها می‌شنویم که نقش‌های اصلی مستند را با همان مامان و بابا صدا می‌کند. همین رویه، یعنی رویارویی با یک «خانواده» تأثیر عمیقی بر مخاطب می‌گذارد، به دل می‌نشیند و ماجراها را پراحساس‌تر می‌کند؛ شاید چون مخاطب می‌تواند خانواده خود را فرایاد آورد و در آن موقعیت خیال کند.

ثریا و کاظم نمی‌خواهند، اما شروع زندگی عاشقانه‌شان به جنگ پرتاب می‌شود! کاظم هر بار که از جبهه برمی‌گردد بال‌هایش زخمی‌تر و دلش شکسته‌تر از قبل است، اما می‌رود تا روزی که جنگ تمام شود. جنگ که تمام می‌شود، کاظم نبرد دیگری را برای زیستن آغاز می‌کند. و اینجا ثریا است که در هجوم ناملایمتی‌ها با پرستاری از پرنده وطن و بچه‌های قد و نیم‌قدش امید را جرعه‌جرعه به زندگی، به خانه کوچکشان می‌آورد.

در لحظه‌ای از فیلم که مربوط به سال‌های نزدیک به جنگ است و کاظم در بیمارستان با رنج‌هایش شب را به صبح می‌رساند، ثریا می‌گوید «دوستش دارم، خودش هم می‌داند دوستش دارم» و این یعنی دوست‌داشتن در وسط ناخوشی‌ها نیز معنا دارد.

در جایی دیگر، کاظم روی تخت بیمارستان است با تنی که گرفتار دردهای خمپاره و سلاح شیمیایی است، انگار مخاطب به یک ناامیدی مطلق ابدی چشم دوخته باشد، اما همان لحظه می‌بینیم که باز هم ثریا تلفن را برمی‌دارد و روی گوش شوهرش کاظم می‌گذارد. آن طرف تلفن یکی از بچه‌هایش است، مادر از او می‌خواهد با پدرش حرف بزند و این یعنی خانواده در سخت‌ترین روزهای خود باز هم خانواده است (حتی اگر پدر نتواند حرف بزند).

فیلم در لحظات دیگر، سال‌هایی را نشان می‌دهد که مرد خانه آسمانی شده است، اما ثریا همچنان چراغ کوچک خانه را روشن نگاه داشته و هنوز هم سفره کوچکی در خانه پهن می‌کند که بهانه کنار هم نشستن باشد. مگر نه اینکه بعد از مرگ هم زندگی معنا دارد، حتی اگر دردهای گذشته روی سینه آدم سنگینی کند؟

مستند «مامان» در دل روایت خود از زندگی همسر یک جانباز و یک رنج خانوادگی به سراغ دغدغه تبعیض می‌رود. این فیلم نشان می‌دهد که جانباز دفاع مقدس، کاظم صادقی و بچه‌هایش برخلاف تصور دست‌کم بخشی از جامعه زندگی مرفه و امتیازهای متعدد و رنگ‌به‌رنگ ندارند. «مامان» نشان می‌دهد که همسر و بچه‌های کاظم صادقی، مانند بسیاری دیگر از خانواده‌های جانباز هرروزه چه رنجی را تحمل می‌کنند. برخلاف تصورها بچه‌های این خانه سهمیه کنکور ندارند یا معشیت خانواده از جز کار و کوشش ثریا، یعنی زن خانه، هیچ‌کس دیگری تأمین نمی‌کند. اولین نکته برای تماشای «مامان» که ۳۱ دقیقه زمان می‌برد و در دسته فیلم‌های کوتاه قرار می‌گیرد، نوع مخاطب آن است. با توجه به صحنه‌های دل‌خراش فیلم، مخصوصا در بیمارستان و آرامستان، بهتر است که افراد بزرگسال، به‌دوراز بچه‌ها این فیلم را ببینند و حتی خوب است که اول فیلم این تذکر داده شود، چون به‌نظر می‌رسد فارغ از کودکان ممکن است، بزرگسالان هم تحمل دیدن این اثر را نداشته باشند. نکته دوم فیلم درباره راوی آن است. مخاطب موقع تماشای «مامان» پی می‌برد که این خانواده مورد بی‌مهری اطرافیانشان قرار گرفته‌اند. درواقع، به‌جز سعید که رفیق گرمابه و گلستان کاظم است تا روزی که برای همیشه به آسمان پر بکشد و زخم‌هایش خوب شود، هیچ‌کس در روزهای سخت یاریگر و غمخوارشان نبوده است. همین سعید که رفیق ناب و همراه همیشگی پدر بوده، می‌توانست یک راوی ارزشمند باشد. فیلم می‌توانست از راویان دیگر حتی همان افرادی که منتقدند و احساس می‌کنند که همه افراد جانباز و خانواده‌هایشان سهمیه‌های تبعیض‌آمیز دارند، دعوت و از صداهای مختلف استفاده کند. به هر روی، «مامان» ارزش دیدن دارد و تلنگری است که بیننده از خود بپرسد، آیا همین لحظه یکی از این «مامان‌ها» در نزدیکی‌اش نیست، یکی از این «مامان‌ها» نیست که در هیاهوی روزها و اتفاقات پی‌درپی فراموش شده باشد؟ به گزارش ایسنا، «مامان» ازجمله فیلم‌های برگزیده در هجدهمین دوره سینما حقیقت (جشنواره فیلم مستند ایران) است که پس از اختتامیه جشنواره در ۴۲ شهر ایران به همراه دیگر آثار برگزیده به نمایش درآمد.

آگهی مزایده

آگهی مزایده اتومبیل

۲۵۵۰- ۱- شماره مزایده: ۱۴۰۳۰۴۳۰۲۱۳۰۰۰۰۰۲۸ تاریخ ثبت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۳۰۰۲۱۹ یک دستگاه خودرو پژو پارس دوگانه سوز به شماره انتظامی ۸۴۷ ط ۲۵- ایران ۴۳ به رنگ سفید و مدل ۱۳۹۱ متعلق به آقای مهدی فتحی حسن آبادی که طبق نظر کارشناسان رسمی دادگستری به مبلغ ۲،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ارزیابی شده از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ در اداره ثبت اسناد و املاک مبارکه – واحد اجراء واقع در صفائیه، پارک اداری، پشت دادگستری، جنب اداره برق از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ ۲،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته میشود و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. طبق گزارش کارشناسان رسمی دادگستری مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۷، یک دستگاه خودرو پژو پارس دوگانه سوز به رنگ سفید و مدل ۱۳۹۱ ، وضعیت اطاق از ناحیه جلو تصادفی و بازسازی نشده است، محور جلو و جلوبندی خسارت دیده و یک حلقه رینگ و لاستیک نیاز دارد، تودوزی و داشبورد سالم، آج سه حلقه لاستیک ۷۰٪، مدارک و نوع بیمه ارائه نگردید. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت، عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. ضمنا اتومبیل مزبور در پارکینگ شهید رحیمی مستقر می باشد. تاریخ چاپ: ۱۴۰